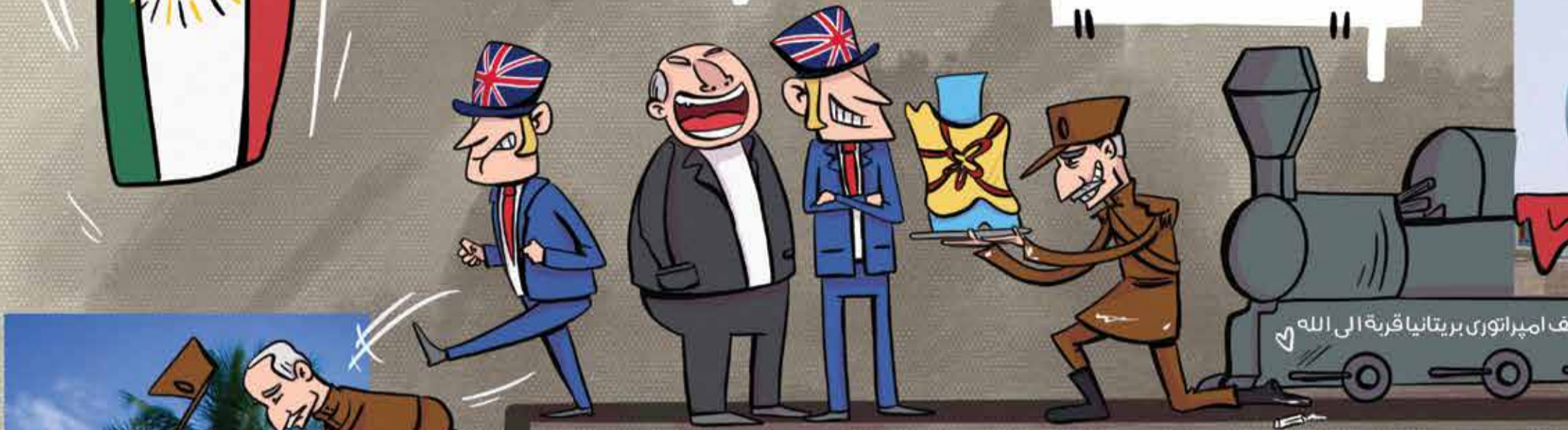




زمان حکومت رضا شاه شاهد «منظم ترین» کشور داری هم بودیم. چرا که در جنگ جهانی دوم با وجود اعلام بی طرفی رضاشاه، تقسیم ایران بین روسیه و انگلیس از یک خط کش استفاده شد و خیلی منظم و دقیق کشور را به دو تکه شمالی و جنوبی تقسیم کردند. در این حالت آنها می توانستند با نظم و ترتیب یکجا بنشینند و از مملکت ما نهایت استفاده را ببرند. به رضا شاه هم گفته بودند این خط را کشیده آمد وسط کشور که زو بازی کنند، وگرنه که این پادشاه مقتدر بر تمامیت ارضی کشورش بسیار حساس بود.

رضا شاه «خادم ترین» پادشاه ایران هم بود و حتی از جنوب تا شمال ایران خدمت کرد و راه آهن کشید. حتی اگر میخواستند تک تک چوب بین ریل ها را با زبان هم گردگیری میکرد چون در عین داشتن لقب پادشاهی، خیلی خادم خوبی بود. البته برای انگلیسی ها.



همان که او را بر تخت کاشته بود، برداشت و «مترسک ترین» موسس سلسله در ایران را به نام او رقم زد. رضا شاه که نه تنها اختیار هیچ چیزش را بلکه اختیار همه چیزش را هم نداشت به جزیره موریس تبعید شد و پسرش محمد رضا را بر جای او نشانند.

مژده به تمام هموطنان شهرسازی و اتاق فرارهای ساواک با مهیج ترین نقشه ها در سراسر کشور افتتاح شد. از هر کسی که فکر می کند باهوش است، فکر می کند می فهمد، اصلا از هر کسی که فکر می کند دعوت می شود در این بازی های جذاب شانس خودش را امتحان کند. آویزان شدن مستقیم، برعکس، بازی های مهیج با ساپورو آب و اصلاح ناخن و ابرو از جمله تفریحات سالم این مراکز است. همچنین جهت رفاه حال شما سرویس رفت و برگشت توسط دو انسان تنومند از در اتاق خواب شما موجود است. البته قسمت «برگشت» آن فعلا به دلیل تعمیرات خارج از سرویس است.



شاهنشاه برای اولین بار از یک بولتیک مترقی به نام: «میرم به مامانم می گم» رونمایی کرد. ملکه انگلیس پیرزنی دلسوز بود و البته هنوز پیر نشده بود؛ فلذا دلش سوخت و دست نوازش خود را، که همان شعبان بی مخ و پری بلنده و دار و دسته بودند، فرستاد تا حق این بچه را بگیرند. از آن پس نیز آمریکا و ساواک مامور شدند تا بیشتر مراقب این بچه باشند و حق بدخواهانش را مثل ناخن از کف دستش بیرون بکشند. البته دفعه بعدی که ملکه خواست بگوید: «اکنون ساعت دقیقا دوازده نیمه شب است» دیگر پیر شده بود و صدایش می لرزید.